بررسی دلایلی روایت
تحریف‌نما در کتاب کافی

دکتر سید رضا مؤدب / استاد دانشکده الهیات دانشگاه قم
عبدالрезا حدادیان / کارشناس ارشد علوم قرآن و حفیظت

چکیده

روایات تحریف‌نما، ایفای دارکاری در تاریخ تدوین قرآن کریم - از نظر برخی - وجود روایت‌های که درباره تشیع رخدادهای کاظم امت اسلام به واقعیت استحجان پیشین است، و عدم پایداری نام معمولانع در الاظهار، مهم‌ترین عوامل بی‌پیام اذعان به تحریف‌نما، به شمار می‌رسند. در این میان، انجام بیش از سایر عوامل قابل تأمل و برسی است، وجود روایت‌های ظاهری‌سال بر تحریف‌سازی در میان کتب گوناگون است که برخی از آنها پیش از سایر منابع اهیت و اعتبار دارند.

این پژوهش بیان است که نتایج آن انجام شده است و اسنادی به پرسی منی روایات مورد استفاده تحریف‌گرایان در کتاب کافی پروازان. گام نخستینی مقاله به استخراج تمامی این روایات به ظاهر مرتب با تحریف‌سازی دیده شده و در هدف‌سازی روایات از کتاب کافی است. انتخاب یافته و در ادامه محل تازه در روایت تیبی شده و پس از نقد و برسی دقت و مسلمان نک تک این روایات، دستیابی نهایی از نگاه او است. شواهد درون‌منی، متنی، معنی‌رسانی روایت‌های نیز پرورنمند و اکنون دانشمندان اسلامی دسته‌بندی ما در این نقد و برسی‌ها است.

در این تحقیق مقدمه که مقصود مرجع کلیه از نقل هیچ یک از روایات به داده‌شده است. از کتاب کافی پیان تحریف‌گرایان به زیاده ویدئوی نیز به دسترس این وجود عادا و ایفای تحریف به نقل‌الاسلام کلیه باطل بوده و کتاب گران سنج حذیف کافی روایت دال بر تحریف‌گرایان ندارد.

کلیدویژه ها

روایت تحریف‌خواه کلیه، کافی، شباه، تحریف‌گرایان.
مقدمه

برخی از اخباریان شیعی در برخی از زمان، معطوف به تحریف قرآن شده و برای اثبات مدعا و خود به دلایل چند استاد نموده‌اند. هر چند عهوم متن‌گوئی از جمله ایشان در تاریخ گویاری قرآن کریم، وجود روایاتی که پیش آمده‌ای که معتقد به تحریف قرآن شده. هم‌چنین برخی از روایاتی که معتقد به تحریف قرآن شده است، نهایتاً در این میان بیش از یک نمونه عهوم و مورد توجه قرار گرفته است، وجود برخی روایاتی به ظاهر دال بر تحریف این کتاب در قرن‌هایی گذشته وجود داشته که مورد توجه قرار گرفته است.

میرزا حسن نوری در اواخر قرن سیزدهم هجری، کتابی با نام قصای خطاب فی تحریف کتاب رب العیان در اثبات تحریف قرآن تکانش داد. اثبات ایشان به دلایل مدعا و خود، مبنی بر دلایل روایات شیعی بر تحریف قرآن و به منظور برخورد بر گوناگون شیعه در زمره باورمندان به تحریف، به نقل بیش از هزار روایت از کتب گوناگون شیعه مبنی بر تحریف قرآن پرداخت که بالاصل مبنی بر پاسخ‌های متفاوت و کونسولهای زمینه. از جمله قدیمی‌ترین و معبدترین مبتکری که شیخ نوری از آن‌ها سود جست و ادعای خود را بر آن‌ها استوار ساخت کتاب الفاظ اثر ثقافت اسلام کلیه (۱۳۹۳) است. به عنوان جمله دقیق‌ترین، معتقد به شیعه و کتاب کلیه اثر ثقافت اسلام کلیه (۱۳۹۳) استعجوع و وجود دلایل منطقی و منطقه‌ای به سلمایت قرآن ادعای میرزای نوری و برخی از دشمنان شیعه مبنی بر اعتقاد این معتقد بیشتر به تحریف قرآن از یک زمینه است و سکوت برخی جمله‌ای است که به این ادعاهای صورت دیده، دلایل لزوم پژوهش و بررسی تمامی روایات مورد ادعای تحریف در این مصداق به این منظور، در پژوهش پیش رفته‌است و ارائه گزارش مختصری از پیشینه تحریف و نتیجه تحریف مورد نیاز، نخست مختصری از زندگی‌نامه مرحم کلیه مقدمه.

۱ توضیحات پیشتر درباره تحریف قصای الخطاب و پاسخهای آن در بخش‌های پیش‌گوهر ارائه خواهد شد.
بررسی دلالی روابط تحريفنما در کتاب کافی

بیان و آنگاه گزارشی از دسته‌بندی، آمار کالی و نمونه‌هایی از نقد و بررسی تمامی روابط تحريفنما در کتاب کافی ارائه خواهد شد.

لازم است ذکر شود که بررسی‌های سنگین مفصل برای روابط تحريفنما، از نظر اهمیت تحريف ناشته است. این چنین باعث می‌شود که تحت در صورت صحبت استفاده در روابط، بخشهایی یک از آنها دالتندی بر تحريف مورد نیاز ناشته و متاسفانه مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند.

پیشینه پژوهش

تحريف نرد مقدمین

تمامی قرآن‌پژوهانی که به جمع‌آوری و گزارش آرای دانشمندان شیعی، مبنی بر سلامت قرآن پرداخته‌اند از شیخ صدوقی (۳۸۹ ق) و اعتماد وی آغاز کردند. هر چند نام کتاب مستقل از شیعیان و عضوی از مخالفان ایرانی منبی بر اعتماد شیعه به تحريف قرآن از دانشمندان متقی نقل نشده، اظهار نظر شفاف و موضع‌گیری‌های عالمی همچون شیخ صدوقی، شیخ مفید (۵۱۲ ق)، شیخ طوسی (۴۲۰ ق)، امین الاعمال طبرسی (۴۵۸ ق) و سایر بزرگان شیعه‌ای، یکنگر این است که در قلمد نیز، زمزم‌های تحريف قرآن مطرح بوده است.

1. برای مطالعه پیرامون نقد سنگی روابط تحريف نظری، رک: عسکری، ۱۳۸۸، ج ۳، سراسر کتاب/بیانات، ۱۳۷۲، سراسر رسانه.
2. اعتماد ما این است که بر اساس مطالعات و نظر شفاف و تلویح وی، همه‌ی قرآن بین دو جلد است که در دست مردم موجود است. و هر کس به ما نسبت به دیدگاه که ما معتقدیم قرآن بیش از ۷ قرآن موجود استی، در به‌کوشیده، شیخ صدوقی (۱۴۰، ص ۵۹)،
3. احتمالاً نخستین افرادی که سخن از اعتماد شیعه به تحريف قرآن به مبانی آرای، این اشاره می‌کردند. (۴۳۶ میلادی، م ۵۲۵ ق) و پس از افیان، تخیر رازی (۶۰۶ میلادی، م ۷۳۰ ق) بوده‌اند. (تجارب، ۱۳۷۲، ص ۲۳۷، کمالی، دی‌میلادی، ۱۳۵۴، ص ۹۲، ناشر: نسیم)
4. برای بررسی بیشتر درباره اسامی و آرای دانشمندان شیعه پیرامون تحريف قرآن، رک: حسن میلانی، ۱۴۱۷، ص ۲۵.
تحریف در دوران متأخر

به اعتقاد استاد معرفت (1401 ق ص 158) اگزگر اصلی این زمره شوم در قرون اخیر، مرحم محدث جزایری (م 1112 ق) بوده که در کتاب عموم الحبیث خود به ذکر برخی روایات و با دلایل دیگر، اعتقاد به تحریف را مطرح نموده اما دور جدید مباحث درباره تحریف قرآن با توشن کتاب جنجالی‌ترین‌ها فصل الخطاب قبی در تحریف کتاب رب‌الارباب به وسیله میرزا حسین نوری طبرسی (م 1320 ق) که در سال 1398 هجری توسط خود مؤلف منتشر گردیده، آغاز شد. اگر نگرش اصولی نگارش این کتاب دفاع از ولایت این مضمون (ع) در پاسخ به سؤال برخی از علمای هندوستان درباره علت نبوندن نامه‌ای امامان (ع) در قرآن بوده است. (همان، ص 139) میرزای نوری در کتاب «باد شده، ضمن تدوین دوازده فصل»، تلاش نموده تا با ابنات محرف بودن قرآن چنین نتیجه بگیرد که نام مبارک امیر المؤمنین(ع) در قرآن بوده است.

در پی انتشار این کتاب، عالمان و محققان بزرگی از شیعه، به تقد و رد فصل الخطاب همت کمالشان دست به نگارش آتاری زدهاند. این افراد، علاوه بر تقد میرزای نوری و پیروان، او به اثبات تحریف‌نابینده قرآن و اعلام اعتقاد شیعه نسبت به سلامت قرآن نیز برداشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱- شیخ محمود بن ابی القاسم، مشهور به علاء مرجع تهرانی. وی اولین کسی بود که با نگارش کتابی مفصل با نام کشف الارتباط عن تحریف کتاب رب‌الارباب به فصل الخطاب میرزای نوری پاسخ داد.

۲- آیت الله العظمی محمدحسین کاشی‌الفطع، رعج، وی نعصر، پس از مطالعه فصل الخطاب ضمن نوشتن تقریبی در پشت کتاب، به حمایت طبع آن حکم نمود. 

۳- لازم است ذکر شود که میان اهل سنت نیز تأیید مستقل با نام الفرمان توسط دانشمندی مصری به نام ابن الخطاب محمد عبدالطيف پیرامون اثبات تحریف قرآن نگاشته شده است. (meer, ص 1379، ص 5 مقدمه مترجم)

۴- با برداشتن نگرش میرزای نوری در همین ایام ایشان تعلیقی به فارسی بر فصل الخطاب نگاشته، ضمن یافتن تباریه از نظرش، عدم رضایت خود را از مطالعه فصل الخطاب بدون مشاهده آن تعیین اعلام نموده است. (بهاری، ۱۴۰۲ ق ج ۱۶، ص ۲۱۲)
تحمیل به سوی می‌گردد است به از حرف‌الشیء به معنای کنار و گوش به آن جز اخذ شده‌ای از شوریه، ۱۳۳۷ ق، ج ۱، ص ۵۱/۵، طراحی. ۱۳۶۵ / ۵، ص ۵۳) و تحریف کلام به این معنی که آن وا در غیر از معنای حس قدر مبیش آن کننده (طوسی، ۱۳۷۲. ج، ص ۳۵) و یا به عبارت دیگر، دست به نهایی بودن دنیا آن بزند. (طوسی، بی‌تا ج، ص ۲۱۲) اصطلاح

تحریف می‌تواند به تفسیر و تغییر مفاه و معنا کلام به غیر از معنای واقعی آن، تحریف به این معنا بدون ترید و به نظر شیعه و سنی درقرآن واقع شده و بهترین دلیل آن وجود غرفه‌ها و مذاهب باطل است.\(^1\)

تحریف موضعی: به این معنا که ثبت آیه و یا سوره‌ای بر خلاف ترتیب نزوال آن انجام گرفته‌باشد. این امر در مورد آیات، با انجام نشده و یا بسیار کم است و در مورد سوره‌های قرآن نیز به اجماع مسلمانان در قرآن فقیه بر خلاف ترتیب نزول صورت دیده‌رفته و لیک هیچ گونه خللی به اصل و حیی الهی وارد نسیخته است.\(^2\)

تحریف قرآنی: عیان کلمه‌ای بر خلاف قرآن مداول بن عموم مسلمانان شلاته‌گذار است. این نوع تحریف نیز هر چند مورد تأیید شیعه نمی‌باشد (مؤردی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰)، به گواهی قرآن‌های گوناگون هفت، دو و یا چهاردهگانه قاریان، درقرآن رخ داده است.\(^3\)

تحریف لغتی: عیان کلمات قرآن مجدد بر اساس لغت‌های مختلف قبلی عرب به شیوه‌ها و به لحاظی که‌سی ای اشکن. اگر تحریف در لفظی، تغییر در معنا شده و یا به فراغب غم‌واری شده، مورد تأیید شیعه نمی‌باشد (معرفتی، ۱۴۱۰، ص ۱۲۰۰)

تحریف به بدلی تغییر کلمات به این معنا که کلماتی مترازفا با غیر مترازفا

جای کلمه‌ای دیگر بپردازد. هر چند کمال به‌کار کرده این مسعود این کار را مجاز شمرده و به آن مبادرت ورزیده، به نظر شیعه و سنی، قرآن موجود از این‌گونه

1. برای بروزی بی‌مهری برخی از این عقاید باطل و استفاده تارا از آیات قرآن رک: شاکر، ۱۳۸۱
2. برای بروزی بی‌مهری، رک: فضایی، ۱۳۷۳، سری دار. کتاب.
تغییرات میра می‌باشد. (همان، ج. 1، ص ۲۱۷-۳۲۲)

۶ تحیف به زیادت یعنی افزایش قدرت، به وجود ایجاد به نحوی که حقیقت، ماهیت و واقعیت آن را تغییر دهد و کننده سواد قسمتی از قدرت موجود، کلام خدا نیست، به اجماع مسلمانان این نوع تحیف در قرآن را نیافته و علم به بطلان تحیف به زیادت از ضروریات دین اسلام است. (خویی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸)

۷ تحیف به کانسیل تقیصد: بکی دیگر از معنا اصلی تحیف تحیف، تنظیم و کم‌نمودن است. بدین معنا که بگویم قرآن موجود بگم آنچه از آسیان و به عنوان وحی قرآنی نان در شده، مشتمل نیست و قسمتی از آن در موقع تدوین و با دوران‌های بعدی از میان رفته است.

در شش مورد اول از معنا اصلی تحیف، اختلاف و نزاع خصوصی میان شیعه و سنّ مطرح نیست و محل نزاع و مورد اختلاف هفتامین معنا، به تعیین تحیف به نیش و کانسیل می‌باشد که برخی از اخباران شیعه و حشیه‌ها از اهل ستّ آن را پذیرفتند و درللای روابط برای ایثار آن آوردند.

معروفی کلینی
ابوجفر محمد بن بهمچون بن اسحاق کلینی رازی بغدادی، معروف به هشیج کلینی، اکلینی، و ایسلی، و مشهورترین دانشمند قرآنی و محدث نامی شیعه در نیمی اول ستّ هجری می‌باشد. است کلینی که یکی از «محمدرسان» مقدام و صاحب یکی از کتب اربعی شیعه همی‌باشد، در نیمی قرن سوم، در خانواده‌ای اهل

۱. برای بروزی بیشتر، رک. خویی، ص ۲۱۷-۳۲۲. لازم است ذکر کنیم که اهل ستّ با اعتقاد به نص تاریث قرآن، گویی به نوعی، وقوع تحیف به تقیصد در قرآن را پذیرفته‌اند. (همان‌جا)
۲. معرفت، ۱۴۰۱ ق، ص ۲۴۱-۲۴۲.
۳. شهرت وی به سلسله به حاکم زندگی وی در کنار سلسله بغداد بوده است (آیین، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۴۰۴ ق، ص ۱۴۰۴ ق).
۴. فقه شیعه انتخابی که در اصطلاح کتب اربعی و مصنفان آنها، اصل آن‌ها، محدود هر دو خوانده می‌شوند. بر چهار پایه استوار است: اکلینی‌هار محمد بن بهمچون کلینی (م ۳۳۱ ق) من‌لا حضرت اکلینی تألیف محمد بن علی بن بابویه فقیه (م ۲۸۱ ق)، و در کتاب تهیه‌بیان الأسکال والاستماع، تصنیف محمد ابن حسن طوسی (م ۴۸۳ ق).
علم و در روستای کلیه- بر وزن حسین- واقع در ۲۸ کیلومتری شهر ری باعث جهانگردی یک نقطه در اثر اپیکالفی و انتقال الگوی روزگاران بود." 

عموم دانشمندان شیعه و سنی و یا راستی گفتار و درستی کردند و احاطه کامل براً احیائیت و اخبار سیاست‌ها، به طویل که نوشته‌های شیعه و سنی در اخذ فتنه به وی مراجعه کرد و در این خصوص، مورد وقوع و اعتماد هر دو فرهنگ بوده است، او نخستین دانشمند اسلامی است که به لقب اقتض آن‌السلام خوانده شد (دوانی، ۱۳۶۲). 

کلیه در سال ۳۲۹ هجری (نجاشی، ۱۴۰۸، ج. ۴، ص ۲۹۲) که می‌آغاز غیبت کبرای امام عصر(عج) بوده، در شهر بغداد جشم از جهان فانی فرو بست و در ناحیه شرقی رود دجله، کنار پل قدیم شهر نامبرده، به خاک سپرده شد.

کافی، کلیه و اتهام تحريف

اگرکه مرحوم کلیه، قرآن کویری را کتابی محترم و دستخورده می‌دانست، یا به عدم تحريف و سلامت آن اعتقاد داشته، موضوعی است که به علت عدم اشاره مستقیم وی، مورد اختلاف نظر دانشوران اسلامی قرار گرفته و و موجب شکل گرفتن سه دیدگاه شده است: 

دیدگاه اول: اعتقاد کلیه به تحريف قرآن

نخستین دور از محسن فیض کاهشی در تفسیر صفحات (ج. ۱) و سپس مبزی نوری در کتاب نصیح الخاطر، کلیه را در زمره معتقدان به تحريف و کامیاب دانش‌آموز برخوردار می‌داند؛ اما اگر قرب به اتهام این گرده را، سلفی و مخالفان تبعیض و شکل‌دادن نویسنگ‌بان به قصد ضریب ژن و تضعیف شیعه و به منظور سلب اعتماد عموم مسلمانان سبب به برخی کس‌های عصبانی و ظهارت و تکرار و شکست فرآیند ماموی، به نوشتن کتاب‌های دروغ‌گان درباره معتقدات شیعه برخاسته و در این میان، برخی از علمای بزرگ شیعه و از جمله مرحوم کلیه را به عنوان معتقدین به عدم سلامت قرآن، معرفی نموده‌اند. برخی از آنها عبارت‌اند از: عبدالله محمد الغربی (ویاج دوران
بررسی دلایل روایات تحريفی‌ها در کتاب کافی

سید، محمد، یوسف النجفی (الشیعه در المیزان)، محمد عبد الستار النپوری (بطران آقایی الشیعه)، محمد مال الله (الشیعه و تحريف القرآن)، علی السالوس (الشیعه و السنة)، ناصر بن عبدالرحمن بن علی الفقیری (مستثنی القربیان بین الاهل الشیعه و السنة (اصول مذهب الشیعه الامامیه)، موسی جراحی (الشیعه)، احمد الیهی (الشیعه و القرآن)، علامه: خمیس (شیریت عین الشیعه)، محمد عبدالرحمن السیف (الشیعه الامامیه و القرآن)، سید محب الدین خطیب (الخطوط العريضة للاسلام

الکه قام علیها دین الشیعه الامامیه).

دیدگاه دوم: اعتقاد گلیکی به سلامت قرآن

شاید بتوان گروهی از پژوهشگران امامیه را که معتقدند محمدرضا به قرار خانی، قرآن کتبی را همان قرآن نازل شده بر پامبر (ص) دانسته و به سلامت أن حکم داده است، جمعی از محققان و دانشمندان علوم قرآنی و حدیثی شیعی جنده دهه اخیر دانسته. پژوهشگرانی که ضمن زرق کاری و پرمسی دیقی کتاب‌های مربوط کلیه، مرجع کلیه را از سلسله سلامت قرآن یافتند. فتحالله نجیبزاده، منصور بهرامی، صادق علی‌پور و ثامر هاشم علی‌می از برخی‌ترین افراد این کتاب‌ها و مقالاتی که در اعتقاد کلیه ای بر عدم تحريف قرآن ذکر شده‌اند، می‌تواند نگارش کتاب‌ها و مقالاتی که در اعتقاد کلیه ای بر عدم تحريف قرآن ذکر شده‌اند.

دیدگاه سوم: سکوت

این گروه که موضع سکوت را برگزیده‌اند، برخی از عالمان و دانشمندان پرخلاش شیعه‌دان؛ پژوهشگرانی که هنگام ذکر اسامی معتقدان به سلامت قرآن نامی از مرجون کلیه به میان نیارده‌اند.

برخی از این گروه، پس از قرار اخلاقی‌دربرمازی نوری و بعضاً دیگر، در دوران اخیر و بعد از هجوم مخالفان تشیع، دست به نگارش کتاب‌هایی که با فلسفه از مصایبت و سلامت قرآن زده‌اند، در اکثر این کتاب‌ها، بخشی شامل مغایر و مخالف امامیه می‌باید بر سلامت قرآن حثت که متاسفانه جای نام کلیه در میان آنها خالی است.

این عالمان که شاید به دیدگاه گلیکی مبنی بر سلامت قرآن واقف بوده‌اند، به علت

1. رک: فهرهست منابع مهم مقاله
تیافتنی اشاره‌ای دقیق و صریح از زبان ثقاوی اسلام، لاگر در نام ایشان را از نظر معتقدان به سلامت قرآن حذف نموده‌اند. که این کار موجب ایجاد سوال در ذهن برخی معتقدان گردیده است. مشهورترین این دانشمندان و اثر ایشان به شرح زیر است:

محمود بن ابی القاسم مقرب تهرانی (کشف الارثاب عن تحریف کتاب رب الارباب). ابوالقاسم خویی (البیان فی تفسیر القرآن)، محمد هادی معرفت (صیانت القرآن) و علامه میر نصیر عسکری (القرآن الكريم و روايات المدرستین، ج۳).

تحليل روايات ادعا شده دال بر تحریف در کتاب کاتبی و دستبندی آنها

از آنجا که دسته‌بندی روایت و جمع نمودن احادیث مشابه تحت یک عنوان، کمک شایانی به تحلیل و بررسی این روایت، نموه و امکان جلوگیری از نقدهای مشترک بر احادیث یکسان را به دنبال خواهد داشت. بنابراین به دسته‌بندی روایات تحریف نمای در کتاب کاتبی خواهیم پرداخت.

اين تفسیه‌پذیری با دقت و پرسی دقیق متن و محتوای تک تک ۸۱ روایتی که در کتب گوناگون با استاده به کتاب شریف کاشی و به ادعای تحریف قرآن کریم گزارش شده‌اند، انجام شده و به شرح زیر است:

۱. روایات مشتمل بر اضافات تفسیری
۲. گزارش‌هایی پیرامون اختلاف قرآنات
۳. احادیث مرتبط به مصاحف حضرت علی(ع) و خاطرات زهرا(س)
۴. روایات مشتمل بر تفسیه‌پذیری کلی از قرآن
۵. نوادر

اینک توضیح هر یک از این بخش‌ها:

۱. روایات مشتمل بر اضافات تفسیری

از آنجا که یکی از رسالت‌های نبی مکرم اسلام و جانشینان آن حضرت، تفسیر و بیان مقاصد آیات بوده، اینک اگر یکدیگر حس نکنیم، ما تا لیلیم و تعلیم نخواهیم کرد.
بروسی دلالی روایات تحولی‌ها در کتاب کانی □ ۳۹

(نحل: ۴۴) تعداد زیادی از آیات قرآن توسط ایشان تفسیر گردیده است. آمیختگی تفسیر و حديث در صدر اسلام و هنگام حضور بناهی که خیلی بود که استاد محمدهادی معرفت، تفسیر آن دوران را شاخه‌ای از حديث به شمار آورده و پس از اشاره به پیوند عویق میان محدثن و مفسران، بخش مهمی از احادیث را روایات تفسیری دانسته است (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۰۸)

هرچند ورود به دانشمندان اهل سنت، زمان آخر تدوین روایات بهامر اکرم(ص) را چندین سال پس از نفوذی تدوین حديث و در سال ۱۲۳ هجری دانستند (ابو ریی، ۱۴۲۵ق، ص ۲۲۳) شبیهان، اعتقادی به من کتاب حديث نداشت و از آن اقدام به تحقیق و تحت شرایطی خاص به تدوین کتاب احترامگذاری گذاشتند از جمله روایات تفسیری برداشتند.

جمع و تدوین روایات که مشتمل بر انواع روایات فقهی، اخلاقی، تفسیری، کلامی و ... بود، به تشکیل مجموع یک مجموعه حديثی انجامید که محل مراجعه دانشمندان اسلامی در علوم مختلف از جمله تفسیر قرآن گردید. در میان این منابع روایی شبیه، اخبار فراوانی به چشم می‌خورد که در آنها آیات قرآن کریم بر پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت(ع) و از جمله ایشان تحقیق شده است. (شکر، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷) این دسته از روایات تفسیری بر خلاف عقیده برخی از دانشمندان اهل سنت (۹۶۹ه، ج ۲، ص ۲۹) مورد قبول و استفاده اغلب مفسران شبیه است. برای مثال، علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر قرآن سنت المبلغان بیان شده تلفین، آیه تطهیر و آیه ۴۴ سورة نحل و روایات تفسیری آنها (معصومی) را همچنین احادیث مکرم اسلام، دارای اعتبار می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱) همچنین پس از بیان دلایل تلفی و علی بر این نویسنده جزی و تطبیق آیات قرآن بر مصایقی افراد، شرایط و مفسران هر زمان، آن را به عنوان

1. برای بررسی بیشتر درباره منابع حديث و دیدگاه دانشمندان قرن‌های پیشین پیامبر آن رک: جلالی حسینی، ۴۸۸ق، سراسر کتاب.
2. "آیه ای را که آن را نگاه کرده علیکم و نگاه کرده علیکم تطهیراً (از احزاب ۳۳)
3. "و این در عین حال که اقطار انسانها مانند مانند اقطار در ساخته‌اند".
4. جزئی و تطبیق عبارت است از اطلاعات آیات قرآن بر مصایقی غیر از آنچه آیات درباره آنها نازل شده است (شکر، ۱۳۸۱)
شیوه اهل بیت(ع) در تفسیر برخی آیات قرآن بیان می‌نماید. (همان، ج. 1، ص 42)

статمابان (ع) برای بیان این بیانه روایات (تفسیری) از قلی‌قلی و روح‌نواز
گوناگونی استفاده نمودند: گاهی اوقات روایات دارای انگیزه و عباراتیاند که به
صرفه بیانگر تفسیر و تبیین آیات بوده، چنان‌که گونه اینم را برای مخاطب
یافته نمی‌گذارد؛ عباراتی همچون ایبه، و همکار تأويله که در روایت‌های روایت
کافی (کلیتی) ۱۳۸۵، ج. ۸ ص ۴۰۰ امده، از این کار است.

der بخشی از این بیانه روایات که همچون تفسیر مزجی، آمیخته‌ای از آیات و شروح
و تفسیر آنها می‌باشد (مذهب، ۱۳۸۵، ص ۲۵) بر خلاف باطن روش تفسیری‌شان
و به سبب ظاهر، مورد سوء استفاده قاچاقی به تحریف قرآن قرار گرفته و در زمره
روایات تحریف قرآن به شمار رفته‌اند. برای مثال، می‌توان به روایت شیخزاده
باب افت شان از لحظه وقفه و تفسیرها (کلیتی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۸) اشاره
نمود که علی رغم عوان باب و سیاق روایت و احادیث قبل و بعد از ممدوحان
تحریف آن را به عنوان روایت دال بر تحریف قرآن پربرده‌اند. (دیوی، ۱۲۹۸،
ص ۲۳۵/۱۰۱، الهیات، ۱۴۰۵، ص ۳۳۲)

اما گروه دیگری از روایات که به ظاهر جزء بهترین دلایل و مدارک مدیعان
تحریف بوده و مورد سوء استفاده یا سوء تفاهم وافقت گشته‌اند نیز احابیپذیره، شامل
الفاظ و عباراتی همچون از چنین، چنان‌که نژاد جبران را به کره
انزلت‌اند. با توجه به فروانی چنین روایات در کتاب‌های لازم است تا به بررسی
دیقرباورد (نزیلی) و بیان معانی آن هنگام صدر احاتم بپردازیم.

۱. الیه تطبیق اللفاظ قرآن بر مصادیق خارجی آن تا حاضر رواست که مخلوق عقل، عرف، نقصوص
قرآنی و مست (صحيح) نباید. ایرانی بررسی معیارهای تطبیق صحت و باطل را. در: شاکر،
۱۳۸۱ ص ۱۵۸ - ۲۰۱.
تنزیل

آن گونه که گفتندنامه گفتندند، به مطلق پیامن امام و هبوط و حلول از بالا به پایین، «نزول» گفته شده (فرهی، ص 201، ج 3، ص 187/188 راغب اصفهانی، ص 49)، و هر نه مشتقات را وکا وتره «نزول» فقط به وحی و قرآن اختصاص داشته بله ارخی لغویون «تنزیل» را به ترتیب شیء، فارگرفتن در جایگاهش، و نیز تفصیل ترجمه و قابل فهم نمودن کلام (این فارس، ص 140، ج 2، ص 554/558، زبیدی، ص 13، چ 15، ص 232) معنی مودهند و در اصطلاح و در کاربرد رواجی نیز بیشترین و شایع‌ترین معانی «تنزیل» و مشتقات «نزول» در بین معانی و تفسیر آیات قرآن کریم به کار رفته است می‌باشد (عسکری، ص 1378، ج 13، ص 1378، نجارزادگان، ص 1379، ص 2). سپس با نویجً به معنای لغوی و اسحابی زندریل» و از استفاده از شواهد و قرآنی فراوانی از رواجی معصومان (ع) و داستان دانشمندان اسلامی، که به آنها اشاره خواهد شد، به ورودی «مثل این که معصومان (ع) هنگام استفاده از عباراتی همچون «نزلت» و «چکا نزل» از مضمون معنای معنای، مفهوم و تفسیر آیات بوده‌اند و اگر هم به قصد بیان وحی الهی از جنین اصطلاحات سود بردند، مقصود ایشان از وحی، «وحی بینان» و توضیح آیات الهی بوده نه (وحی قرآنی)

شواهدی از کلام معصومان (ع)

برای مثال، هنگام که از امام باقر (ع) درباره معناه ظاهری و مفاهیم باطنی قرآن پرسید، فرمود، «فهّمه تنزیل» و پیام نازیله (صفر قمی، ص 169) و معنای معنای ظاهری و تفسیر آیات تنزیل» و معنای درونی آنها تاوندهاند. روایت دیگری که می‌تواند شاهدی برای کشف معنای واقعی تنزیل» باشد، روایت مفصل شماره ۹۱ از باب «فهّمه تنزیل» و ظاهری تنزیل» و درونی آیات تنزیل» است. (کلمنی، ص 1379، ج 1، ص 432) این روایت طولانی، به وضوح در شرح و تفسیر بخش آیات تنزیل و استفاده از آنها در مضمون بیان فضایل امیرالمؤمنین(ع) و ابتکار و لازم‌البیان

---

1. برای بررسی بیشتر درباره معنای واقعی و ابتدای تعیین، در نظر بگیرید: شکاز، ص 1381، ص 137، ج 2، ص 157.
2. برای بررسی بیشتر درباره معنای واقعی و ابتدای تعیین، در نظر بگیرید: عسکری، ص 1378، ج 13، ص 1379، ج 2، ص 157.
صادر شده و در جای جای آن، با عبارات قلیل و «قال میان آیات و تفسیر آنها فاصله افتاده است. همچنین در برخی فقرات روایت، امام کامی ع) بیانات خود را به عنوان تنزل آیه بیان می کند تا اینکه در قسمتی از حديث جنین می خواندیم: "و لَهَّنَّ مَنَّ تَوْرَةٍ وَذَلِكَ الْقَالُونُ بِالْغَافِرَ وَلَوْ كَرَهُوهُمْ فَلْيَتَفْصِّلُ هَذَا تَنْزِيلَ قَالَنَ أَشَّاً هَذَا الحرف فَتَنْزِيلٌ وَأَمَّا غَيْرِهُ فَتَأْوِيلُ» و یا در قسمت دیگری از روایت جنین آمده است: "قلۤ اِنَّا نَحۤنَ عِلۤیمُ لَعَبِكَ الْقَرۤآنَ تُنۜزِیلَ قَالَ عِلۤیمَ اِنَّ تَنۜزِیلۤ قَالَ نَعۤمَ ذَٰلِكَ فِی امۜرِکَ، ابِنا رَوایات و سیاق روایات قیل و بعد از آنکه همگی در مقام بیان و تفسیر آیات و استنداند و با عنايه به اینکه واژه‌ی « تنزل » و « تأویل » با هم به کار رفته‌اند، می توان دریافت که مراکز از تنزل » بیان معنا و مفهوم ظاهری ایه، و مقصود از تأویل» بیان بطل و به چگونگی تعبیرات درونی آنهاست.

شهادتی از سخنان دانشمندان اسلامی
برای بیان شواهد و قرائنی از دانشمندان اسلامی در تأیید اینکه وازده تنزلی » در لسان روایات، به ویژه روایات کامی به معناي تفسیر به کار می رفته، مناسب است به گفتار شارحان کامی که عموماً دارای مسلک اخباری بوده و ظاهر روایات برای ایشان اهمیت بسزایی داشت، اشاره نمایم:

الف ملا صالح مازندرانی: مرحوم ملا صالح مازندرانی (م 1000ق) که پس از ملا صدر، دوومن شرح را بر اساس کامی نگاشته است، ذیل روایت چهل و پنجم از باب فيه نکته و تفسیر متن تنزلی وحی الیکن» از کتاب الحجة (کامی، 1365ج، ص 42) هنگام شرح عبارت تاکید نولیت» چنین گوید: «اکنون نولید، لانگی بر اینکه آنچه مخصوص رُفۤومَهُ، جزئی از قرآن است، ندارد بلکه امکان دارد برخی از کلاام ایشان، آیات قرآن و بعضی دیگر، تفسیر و تأویل آیات باشد» (مазندرانی، 1412ق، ج 7 ص 30)

ب ملا خلیل قوونی: فقه و محدث شیعی، ملا خلیل قوونی (م 880ق) در شرح فارسی خود بر کامی با نام الصافی در شرح الكامی، در مواقف گوناگون و فراوانی، تنزلی را به معنی لفظ در مستعمل فیه و تأویل را به معنا لفظ در غیر مستعمل فیه
دانسته (فرهنگ، بی‌یا، جزء ۲، قسمت ۲، ص ۱۲۸ و ۱۳۳) و روابط درای افزاء تنزیل را به عنوان تفسیر الفاظ آیات که خداوند متعلّم توسط جبران بی‌یا یابمار(ص) نازل نموده، بر می‌شمرد. (همان، قسمت ۲، ص ۹۹ و ۱۰۱)

ج. ملا محسن فیض کاشانی: حکم‌های قیام و محدث عالی‌قادر، ملا محسن فیض کاشانی (م ۹۱۱ ق) در شرح خود بر کتاب کافی و سایر کتب ارتباط شیعه با نام انسان در اولین برخورد با عبارت همکا نزلت، شنیده که در این دو قسمت، از سوی هیچ‌کدام از عناصر کتاب و تفسیر آن حکایت و تفسیر آن دانسته و تأکید می‌کند، اسامی عبارات و جملات تفسیر آن نیز تفسیر و بیان آبادان در شمار می‌رود (فیض کاشانی، همزمان، ص ۸۸)

د. محمدفرمان مسیح: علاء مولیاء محمدفرمان مسیحی (م ۱۱۱۰ ق) مؤلف دائرة المعارف بزرگ حیدری، بحار الانتار و نگارنده مرآت العقول که شرحی بر تمام کتاب کافی است، در شرح برخی روايات، کلمات تفسیری را معاون وارائ تفسیری دانسته است. برای مثال، ایشان ذیل حديث اول از باب "آن الامام"(۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۴۳۵) به عنوان یکی از اشکال‌های حکایتی از اجتنامات جنین آورده است: "کافا نزلت آی پسیجیف اطمینان (مجلسی، ۳۷۸، ج ۳، ص ۱۸۶)\n
ابن بیقش شامل ۴۴ روایت می‌باشد که برای نمونه به سه مورد از آنها اشاره می‌کنیم

- محمد بن ابی عبدالله و محمد بن الحسن عن سهیل بن زید و محمد بن بختیار عن

- أحمد بن محمد جعفر عن الحسن بن ابي الحیف بن الحسن بن ابی طاهر(۱۴۳۲) قال قال

- أبو عبدالله! کان یکی از الحسن صوفات الله علیه السلام در قرآن. الله عزَّ و جلَّ جنَّات الله الیک فی لنَّهَ اذکرَ ما بَنَٰلَ الیک قَال رَسُول اللہ صَلَّی اللَّه عَلیه وآله وسلم. من افق تِنَّهَه یتَّلَبَّنَّ یتَّلَبَّنَّ یتَّلَبَّنَّ.

- وَهُل تَنَّهَلَنَّ یَنْبَرِی مِنْ اَطْفَع شَهِرٍ قَالَ لَآ قَال تُنَبَّنَّ یتَّلَبَّنَّ یتَّلَبَّنَّ

- وَرَبِّمِنْ کُلْ اَمْرٍ و۹۲.

1. برای مشاهده متن، تیمی و تقدیم این روايات، رک: حدادیان، ۱۳۸۷، ج ۴۴، ص ۵۴۴
2. کهی، ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۲۴۸ (نوری، ۱۳۴۸، ج ۳۷۲، امیری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۸۱۸)
مدعیان تحریف با استناد به بخشی از روایت، عبارات مسیح واقعاً دوسته، را قسمتی از آیه‌ای اثبات گرداند. اما عنوان باب که «به شنآن از انسان‌ها و تفسیرها» است و همچنین سیاق این روایت و سایر روایات مندرج در این باب به وضوح نشانگر استفاده تفسیری مروحه کلینی از این روایت می‌باشد.

علاوه بر این، استفاده سیوطی از نظر این روایت در تفسیر سورة قدر (سپوتو، ۱۴۰۴، ج ۸ ص ۵۶۸، ۵۶۹) و همچنین کلام صریح شارخان که از جمله ملا صالح مازندرانی که جمله‌ای از آیه‌ای دقت می‌کند، را برای تفسیر (مازندرانی، ۱۴۱۲، ج ۲ ص ۱۰) و نیز علامه مفسری که آن عبارات اضافی را زبان حال (مفسری، ۱۳۷۰، ج ۳ ص ۸۰) در نظر گرفته‌اند هم دلایل دیگر این ادبات تفسیری بودن اضافات این روایت است.

۱. چهارمین یا محقق عن معلولین مهادی علی نعمت الله، در قول الله عز و جل: «و من بعلبک و رسولك فی این آیات و واقعه علی عليه و وحدان الله من بعد قطع فیروز عظیما هدیتا نزلت» ادعا شده است که در آیهی بعضی از آیات الكریم، و یافته‌ها و آیات الكریم، و سلطان الله و رسوله‌ها و نعمت الله علی از آن‌ها. (احزاب: ۷۱) بعد از رسول‌های، عبارت افی و ویلیا علی و ویلیا آیات الله من بعد، نیز گذشته است، اما این روایت نیز گذشته (هکذا نزلت)، است که کاربرد این وارده جهت تبیین و تفسیر آیات قبل از بیان گردید، و البته لازم است ذکر شود که مروحه مازندرانی (۱۴۱۲، ج ۷ ص ۵۵)، علامه مفسری (۱۳۷۰، ج ۵ ص ۱۴) و ملا خليل فومنی ابتدا جزء ۳، ۹ ذیل شرح و تفسیری بودن جملات و نزول تفسیر به وسیله روح للهی را مطرح نمودند و فیض کاشانی عبارت هکذا نزلت و نظر آن را در این روایت و هر روایت دیگری که پس از آن بیاید، به معناز نزول تبیین و تفسیر آیات در نظر گرفته است. فیض کاشانی، ۱۴۱۲، ج ۳ ص ۸۵، همچنین برخی قرآن‌پژوهان از این روایت و احادیث مشابه، برای اثبات وجود جریه و تطبیق مندرج میان احادیث معصومین (ع) سود جستند. (کمالی دزفولی، ۱۳۵۴، ص ۹۰)

1. کلیتی، همان ص ۴۱۴، نوری، همان ص ۴۲۴، الهی ظهیر، همان ص ۲۸۶/۲۸۸، عسکری، همان ص ۱۰۷.
2. گزارش‌هایی از اختلاف قرآنات

در زمان حیات نبی مکرم اسلام و به بروقت و وجود حضرت و
قاریان و عدم گسترش فراوان ممالک اسلامی، یک قرآنی که همان قرآنی رسول
گرامی اسلام بود، میان مسلمانان رواج داشت.

پس از رحلت آن حضرت و به دلیل گوناگونی از جمله اجتهاد (برخی صحابه،
شهادت و رحلت جمع زیادی از قاریان و حافظان قرآن، علم اعجاب و قطعات گذاری
در رسم الخط عرب و.. قرآن‌های گوناگون و در تیمیه، بدین اختلاف قرآنات میان
مسلمانان رخ نمود. در سال‌های بعد، حاکمان بین امیه و بینی عباسی نیز به دلیل
سیاسی از جمله سرگرم نمودن مسلمانان به ظواهر کلام الهی و انتها قرآن‌ها و
همچنین دور گذشتن ایشان از معانی، مفاهیم و بیان‌های والا و پدش طاغیون این
کلام مقدس، به حمایت از مباحث پیرزان اختلاف قرآنات برداخته، به نحو

1. کلیتی، ج 8 ص 290/نوری، همان: ص 235/یمسیره، همان: ص 175/عسکری، همان: ص 273.
2. برای بررسی بیشتر درباره دلایل و مباحث اختلاف قرآنات، رک: حقیقی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۳-۲۶۶/۱۳۹۵، ص ۱۸۸-۱۷۲.
در اینجا نگاهی به ماتریس همگونی تعریف می‌شود که به صورت زیر حساب می‌شود:

\[ A = \begin{bmatrix} a_1 & a_2 & \cdots & a_n \\ b_1 & b_2 & \cdots & b_n \end{bmatrix} \]

که در آن \( a_i \) و \( b_i \) تراکم مatriks هستند. ماتریس همگونی 

\[ \begin{bmatrix} 1 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 1 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 1 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 1 \end{bmatrix} \]

آنها همگونی را درست انجام می‌دهند.

توضیحات بیشتر درباره ماتریس همگونی و تابع همگونی در فضاهای مختلط و دو بعدی می‌تواند در چکیده‌های مربوط به مطالعه جبر خطی و جبرخطی دو بعدی جستجو شود.
دروس دلالی روابط تحفیفمنا در کتاب کافی

الف) یادآوری بنوایت الله ﷺ به دین‌الله (انعام: ۳۳) کلمه ایکتیرک تک به صورت ایکتیرک (با تخفیف دال) نقش شده است، اما این روایت نیز از روایات مربوط به اختلاف قرانات به حساب آمد. از تحریف مورد نزاع خارج است. لازم است ذکر شود که شارحان کافی و مفسران قرآن، قرآن مذکور در این روایت را با قرآن‌های متقابل از ناحیه و کسایی و عمشی پیامد‌دانند. (مازندرانی، ۱۴۱۴، ج. ۱۶، ص. ۲۶۴/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۱۶، ص. ۸۱۶/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۴، ص. ۴۵۴)

- یلی در هر اثری در حروف بین البین دیده می‌شود. گزارش این البین به حساب آمد. از تحریف مورد نزاع خارج است. لازم است ذکر شود که مفسران قرآن، قرآن مذکور در این روایت را با قرآن‌های متقابل از ناحیه و کسایی و عمشی پیامد‌دانند. (مازندرانی، ۱۴۱۴، ج. ۱۶، ص. ۲۶۴/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۱۶، ص. ۸۱۶/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۴، ص. ۴۵۴)

- محققین در حروف بین البین محققین در حروف بین البین به حساب آمد. از تحریف مورد نزاع خارج است. لازم است ذکر شود که مفسران قرآن، قرآن مذکور در این روایت را با قرآن‌های متقابل از ناحیه و کسایی و عمشی پیامد‌دانند. (مazorai، ۱۴۱۴، ج. ۱۶، ص. ۸۱۶/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۴، ص. ۴۵۴)

1. کیانی، همان، ص. ۳۷۷/ نوری، همان، ص. ۳۷۰/ الهیظهر، همان، ص. ۳۷۳/ عسکری، همان، ص. ۴۲۲
2. کیانی، همان، نوری، همان، ص. ۳۷۹/ الهیظهور، همان، ص. ۳۷۳/ عسکری، همان، ص. ۴۲۲
۳۸

۱۱۲) به جای «الاثنا عشران»، عبرت «الاثنا عشران العلايين» قرار داشته است. اما این روایت نیز از روایات مربوط به اختلاف قرانات به حساب آمده و از تحريف مورد نزاع خارج می‌باشد. لازم است ذکر شود که شاهرخ کافی و مفسرون قرآن، قرآنی مذكور در این روايت را با قرانیات متعلق از آنی، عبادالله بن مسعود و اعمشی بکسان دانسته‌اند. (مازندرانی، ۱۴۱۲، ص ۱۲۸، ص ۵۴۴/۵۴۴، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۵۶۵/۵۶۵، ج ۲، ص ۳۱۵)

۳. روایات مساحف حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا(س)

لغشتناسان به جامع نوشته‌های میان دو جلد (فرآیندی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۹۷۱) که معمولاً از جند صحیفه و یا صفح سامان بافته و همچون کتاب است (این فارس، ج ۲، ص ۱۳۲، مصافح می‌گویند. به گواهی تاریخ، برخی اصحاب رسال گرامی اسلام هنگام حیات آن حضرت و یا پس از آن به نگارش و یا جمع و یا گشته‌ی تمایل در بینی بایق‌رآن بوده. و برداخته بودند که پس از تکمیل و قرار گرفتن میان دو جلد به تمام مصافح شاخصه شدند و شهرت یافتند. برای مثال، می‌توان به مصافح ابن مسعود، مصافح ابن کعب، مصافح علی(ع)، مصافح فاطمه(س)، صحیفه جابر بن عبدالrahman انصاری و

صحیفه ابووموسی اشعری، به عنوان مشهورترین مصافح صحیفه اشاره کرد.

امامیان تفسیر به سه روایت از روایات کتاب کافی که توالیان در پوند با مصافح حضرت علی(ع) و دیگری درباره مصافح فاطمه(س) است. استناد نموده و مضمون آنها دچار تحريف قرآن کتابی دانسته‌اند. گویا ماموران تحريف قرآن، کلمه «مصافح» را هم‌معنا و مساوی با قرآن، فرض نموده‌اند. در نتیجه به علت کمتر بودن و یا تفاوت مندرجات قرآن کتابی با قرآن، فاطمه(س) که از آن مصافح روستاده، حکم به تحريف این قرآن داده‌اند. حال آنکه با بررسی دقیقتر روایات و قول‌های تاریخی، این مصافح به روشی می‌توان دریافت که مصافح امیرالمؤمنین(ع) مشتمل بر مطالب فراوانی در حقیقی و علاوه بر قرآن کتابی و

۱) برای بررسی بیشتر درباره مکتوبات صحابه، رکه: جلالی، «سایه‌نگار»، ۱۴۸۸، ص ۲۰۹-۲۳۷
مصحف حضرت فاطمه(س) چپی چندی از قرآن و حاوی معنی دیگری بوده است. بنابراین، خلاصه و نت‌گیری از روایات بنابر قرآن، نه تنها روا نیست که دلیل است بر اثبات لجستیکی که تحقیق قرآن از این اثبات است.

- مصحف علی بن ابی طالب

در متن نویسی و کتاب عامه، روایات فراوانی درباره مصحف امام علی(ع) تقلید شده و میزان این روایات به قدری است که به اعتقاد برخی پژوهشگران، از مجموع آن‌ها مرجعی برخی دچار ضعف سنجنده‌بسان اخبار مستند شده‌اند، اطمنان حاصل می‌شود که چنین مصحفی وجود داشته است (ابازی، 1380، ص 176).

از مجموع این روایات، می‌توان دید که مصحف آن حضرت شامل تمام قرآن بوده است(هلالی، 1381، ج 2، ص 581/ معرفت، 1375، ص 86) این مصحف علامه برقران، مشتمل بر نوشته و تفسیر (مجله، 1402، ج 45، ص 45) محکم و متفکر. نماز و منسوخ و تفسیر و بیان آیات بود که در حاشیه کلام الهی نقل شده بود، نه اینکه جزیی از قرآن باشد. (فیض کاشانی، 1415، ج 1، ص 47/ زنجانی، 1416، ص 105) همچنین، کسانی بیان و تفصیل اختصاصی و ذکر اسامی اهل حق و باطل را نیز در زمره محتویات مصحف آن حضرت دانستند. (ابازی، 1380، ص 185)

- مصحف حضرت زهرا(س)

با بررسی منابع جوانگونی که از کتاب با مصحف دخت نی اکرم اسلام سخن گفتند، می‌توان دریافت که حضرت زهرا(س) این مصحف را پس از رحلت پیامبر(ص) نگاشته‌اند. همگی این مصحف بر اساس دریافت‌های معنوی و غیبت انشان و برای تسنیم خاطر و تحمل نمایان روان قدبان پدر انجام کفته‌اند. بنابراین روایات، فاطمه(س) دریافت‌های خود را یا باز می‌گفتند و امیر مهنیان(ع) آن‌ها را می‌نوشتند. (کلیپی، 1365، ج 1، ص 24/ عبد الله امینی، ص 37-39) 1

1 همچنین رک: اکرم بروکات عامالی، 1418، ق، سراسر کتاب.
نکته مهمی که روایات فرآینان بر آن تأکید کرده‌اند، آن است که مصافح آن حضرت، قرآن نبود و حتی در این کتاب، احکام شریعت و حلال و حرام نیز مذکور نبوده است بلکه شامل امثال و حکم‌ها موارض و اختبار ایندیده بوده است. (کلیوی، همای، ح. 3، و. 5 / صفر قمری، 1404، ص. 150-161)

با توجه به آنچه درباره مصافح حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) بیان شد، در ماه‌های اختلاف مصافح با قرآن کنونی کامالی روشن و به واسطه مغالطه‌ای غیر از قرآن مثل بوده و استناد به این اختلاف‌ها برای اثبات تحریف قرآن استدلالی بی‌اساس و باطل است.

این بخش شامل سه روایت است که برای نموده به یک مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

- گفته‌است: «علی بن مُحمد بن علی، مصافح حضرت علی و قرآن، قرآن فتنه و قرآن فنّش، فنّش، همه را گفته‌اند. البته، این نیست که آنان با یکدیگر مصافحه کنند و یا در ماه‌های اختلاف آن را مصافحه کنند. به قرآن حکم نمودند. اما با توجه به نظر شارخان کافی، به استناد به سایر روایات و استماع از دلائل عقیل، مصافح مذکور را مصافحه‌ای غیر از قرآن و یا مصافحه امرالساتین» (داستان‌نامه، مازندرانی، 1411، ج. 11، ص. 82 / فیروزی، بیت، جزء 3، بخش 2، ص. 70)

کم‌دریافت، 1389، ج. 4، ص. 449 و با توجه به مطالب پیش‌گفته در بخش پرسی مصافح علی بن ابی طالب (ع) به سادگی می‌توان دریافت که این روایت به هیچ

1. کلیوی، 1365، ج. 2، ص. 731/732، الهی ظهیره، 1403، ص. 33 و 370/1630

2. بردهان عقلی ای که بر عدم تطبیق مصافح مذکور در این روایت با قرآن کتبی دلایل دارد، چنین است: «اگر آن کتاب قرآن بوده بس جکونه حضرت گویدند به این نگاه نکن. حال آنکه نگاه به قرآن را عیادت دانسته، پس آن کتاب چیزی غیر از قرآن بوده است» (کم‌دریافت، 1379، ج. 4، ص. 149)
روایات تقسیم‌بندی‌های کلی از قرآن

گروه دیگری از روایات که مدعیان تحريف قرآن به استناد به آنها هستند، حکم به تغییر و تحریف این کتاب مقدس دانسته‌اند. روایاتی است که در مواردی که قرآن نمی‌تواند به مضافات آنها بر تفسیر بندازد، مفاد قرآن به سه طبقاتی تقسیم شده است: عمالمان و مفسران زاده قرآن، مفسران و مختاران مختلف در قرآن را به گروه‌های تقسیم نموده‌اند؛ گروه‌هایی که به منظور بخش‌هایی دقت‌های و مساوی یکدیگر بکنند، بسیاری از تفسیرندی‌های متفاوت و پایدار در علوم قرآنی به وجود آمده‌اند. به یکی از این روایاتی که به شکل دیگر تفسیر می‌کند، فضاست خصوصیت روایاتی است که آنها را در حوزه استادی می‌بینند.

استفاده مدعیان تحريف از این روایات به عنوان یک نکته جدی را در تاریخ و کلام و مضمون قرآن دانسته که در این روایات، یک قسمت از قرآن به سه بخش قرآن در پرداختن به این روایات پیوندهای و مواردی از قرآن در بخش‌های مختلف قرآن است. این پرونده‌ها به تفسیر زبانی است که در گذشته‌های مختلفی که در نظر گرفته شده است، به‌طور مفصل و دقیق موضوع بخش‌های مختلف قرآن را بررسی کرده است.

بررسی دلالی روایات تحريف‌ها در کتاب کافی

توجه نمی‌تواند به حساب نماید. به عبارتی، مقامات در مصرف حضرت علی(ع) غیر از قرآن بود و در حواسی آنها نگاشته شده بود.

1. برای مشاهده متن، تبدیل و تفسیر این روایات در کتاب هدایت 2013، صص. 113-15.
نظریه انتقال کلام‌های احادیث به دستور حضرت علی رضوی ۱۳۸۸

۵۲

دو قصثلیم حسینیه، سال اول، شماره دوم، بانی و رستگان

- عُلَمَه‌نَه ۱۳۹۳ ۷۱۸۸

۱. کلیتی، ج۲ ص۵۷۱۹۸، ص۲۷۷، ص۱۴۰۲، ص۱۵۸، ص۲۷۷، ص۱۳۷۸

۲. "کمک‌م‌که معمولاً در انتقال یک یا چند باب از ایبایا مطرح در کتاب‌های گوناگون کافی‌کافی چنین

مجموعی از احادیث است که هرچند یا مضامین روایات یک یا چند باب انتقال داده، پایه‌ی قابلیت
گنجانده شدن تحت یک عیان خاص را نداشت است.
در دسته‌بندی‌های که گفته‌ای را نداشتند، می‌پردازیم.

یکی از این شش روایت، مربوط به مستحبات، یکی مربوط به تحریف معنوی، دیگری روایتی دستخوش تصحیح، دو روایت درباره احاطه کامل اصل بیست و به ظاهر و یا پیامدها، تنها نقوش و نارسایی در میان حد آیه الکریسی است چون هیچ ارتباطی با تحریف مورد بحث ندارد. چون از میان این روایات، تنها حدیث سبیع عشر الف آیه، از سایر روایات مشهورتر و به محل نزاع نزدیک‌تر است. به نقد و بررسی آن هم پردازیم:

علی بن الحکم، عن یوسف بن سالم عن ابی عیامالله(ع) قال: ان آیه آن الی دی جای جه "جبریل(ع) الی محمد(ص) سیمیع عشر الف آیه، به اعتقاد مدعیان تحریف، به مضمون این روایت، فرمان حاوا هفته هزار آیه و تقیباً به برای فرمان موجود بود. اما مرحم علامه شعرایی و گروه دیگری از فرمان‌های و حدیث‌شناسان معتمدند که مطمئناً لفظ "عشر" را نسخه‌برداران و یا راویان افزودند و در اصل، "سیمیع عشر الف آیه، بوده (مazorداران، ج 11، ص 78) حاشیه از ابن الحسن شعرایی معرفت، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۳۲، ۲۴۶ ق، ج 2، ص ۳۴۵ و ۴۲۷. به طریقی که تقیباً با عدد واقع برای است، این مطلب با نقل دقیق مرحم فیض در واوی تایید می‌شود، چرا که وی حدیث را از اکثری و با لفظ "سیمیع عشر الف آیه" و بدون تردید روایت کرد، آیه است که نشان می‌دهد نسخه اصلی کافی، ند از این لفظ بوده و برخلاف برخی شارحان که برای حل هفته هزار آیه به سختی افتاده‌اند، غیر آن را حاضر نداده است. (فیضی‌کاشانی، ۱۴۱۹ ق، ج 1، ص ۲۷۴)

لازم است ذکر شود که علامه شعرایی نسخه کافی موجود ندید فیضی‌کاشانی را از بحیرین نسخه‌ها دانسته (هماح، ج 1، ص ۳) و میرزا نوری نیز به این اختلاف نسخه‌ای اعتراض کرد، اما به سادگی از کنار آن گذشتند. (نوری، ۱۲۹۸ ق، ص ۲۱)
نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته‌یم، از ۸۱ روایتی که در کتب قوناگون، بعیضه‌کتاب‌های قلم الخاطب و الشیعه و القرآن با استناد به کتاب شریف کلامی و به ادعای تحریف القرآن کربم گزارش شده، پس از حذف تفکیعات، ۱۹ روایت باقی می‌ماند که پس از تحلیل و نقد دقیق بر متن و محتوای روایت و بررسی دلائل و نه سندی، با انتهای بعیضه‌که با استفاده از نظریه‌های شارحی کلامی باین نتیجه می‌رسیم که این تعداد حديث، ۴۴ روایت به منظور استفاده تفسیری تقلیل شده است، سپرد به حديث مربوط به اختلاف قران‌های، سه روایت در ارتباط با مصاحبه آمرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهراء، سه روایت حاوی دسته‌بندی‌های کلی از قران، یک روایت درباره مستحباب، دو حديث بانگر جمع ظاهر و باطن قران توسط اخوان معصومین (ع)، یک روایت دستخوش تصحیف و اشتیاق نسخ‌نویسان، روایت مربوط به تحریف معنوی قران و یک روایت همه، هر دو ناقص بیان حد آیه‌کردن که و هیچ یک از این روایات نمی‌توانند اثبات کنند، و یا حتی اشاراتی به تحریف مورد بحث که همان تحریف به نقصی در قران است، باشند.

در نتیجه، به اعتباری دعا و تهمت‌های بی‌اعتیاد به تحریف قران که مطرح مرحوم کلیمی و کتاب شریف کلامی شده است، اثبات می‌شود و با توجه به دلایل قراوایی از جمله دروازات عرضه، مطرح مرحوم کلیمی در مقدمة کتابی به آنها را نقل نموده و قران کربم را مرجع تعبین صحت و سقم روایت دانسته است (کلیمی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۷–۸). به روشی می‌توان دریافت که آن محدود بر زرگزوم، به عنوان یک مسلمان و شیعه واقعی، ساخت قران را از هر عيب و نقصی پناه می‌سند و وگرنه، تشخیص درستی و راستی روایت متعارض را به عهده قران نمی‌گذاشت.
بررسی دلالی روایت تحريفنا در کتاب کافی

مقاله

1. ابراهیم قربانی، در نظم یافته، در نظم امید و الگوسی؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1340.
2. ابراهیم قربانی، در نظم یافته، در نظم امید و الگوسی؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1340.
3. جوزی زاد العصری، در علم التفسیر؛ محقق: عبد الرضا المهدي، ج، بروت: دار الکتب العلمی، 1322.
4. ابراهیم محمدی، در نظم یافته، در نظم امید و الگوسی؛ ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
5. ابراهیم قربانی، در نظم یافته، در نظم امید و الگوسی؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1340.
6. ابراهیم قربانی، در نظم یافته، در نظم امید و الگوسی؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1340.
7. ابراهیم قربانی، در نظم یافته، در نظم امید و الگوسی؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1340.
8. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
10. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
11. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
12. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
13. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
15. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
16. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
17. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
18. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
19. ابوبکر، علی و محمد؛ محقق: احمد الزعیمی، ج، قم: اعمال، 1383/1462 قی.
20. د. ابراهیم قربانی، در نظم یافته، در نظم امید و الگوسی؛ ج، قم: اعمال، 1384/1473 قی.
21. د. ابراهیم قربانی، در نظم یافته، در نظم امید و الگوسی؛ ج، قم: اعمال، 1384/1473 قی.
56) دو قشنگانه حديثی‌وزه، سال اول، شماره دوم، بازی و زمان، ۱۳۸۸.

۲۲رای، نشر ال‌عین، منابع علمی (ج، ۳، پروت) در احیای ادبیات، ۱۳۸۰.
۲۳زهابیان، ابوالقاسم حسین بیانمحمد، مقدمات در اخلاق القرآن، پیشکش محمد خمیل، عتباتی، ج، پروت، ۱۴۱۸/۱۳۹۸م. 
۲۴زیندی، نگاه موسسی ج، پروت، در ایناق کتب، ۱۴۱۴/۱۳۹۴م.

۲۵محمود الکشافی، چ، پروت، در ادبیات، ۱۳۸۰.
۲۶زنگجیان، ابوالله، تاریخ اسلام، پیشکش محمد عبدالرحیم، ج، دسته‌ی در ادبیات، ۱۴۱۸/۱۳۹۸م.
۲۷سیویانی، جلال الدین، تاریخ المنشورات در تفسیر قرآن، قلمکاری‌های ایبیک خان، مرعشی، ۱۴۰۴.
۲۸شاکری، محمدرضا: روضه‌های تجدید قرآن، چ، پروت، ۱۳۸۱.
۲۹شیرازی، احمد، فقهی، تفسیر قرآن، چ، پروت، ۱۳۸۱.

۳۰شیخ صادق محمد بن علی بن بیابویه قمی، اعتمادت راهی دین اسلامی، تحقیق غلامرضا مازندرانی، چ، پروت، ۱۳۸۵.
۳۱صدراالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، مرعشی، اصول کلامی: تحقیق محمد خواجویی، ج، یکتا.

۳۲اصفی، محمد بن حسن، مجموعه، تفسیر قرآن، مجموعه، تحقیق بهزاد محسن کوچکی، قلمکاری‌های ایبیک خان مرعشی، ۱۴۰۴.

۳۳طیاطی، سید محمدرضا، تفسیر قرآن، چ، پروت، ۱۳۸۱.

۳۴طوشی، محمد بن حسن، تفسیر قرآن، پیشکش محمد عبدالرحیم، پروت، در احیای ادبیات، ۱۳۸۱.

۳۵طوشی، محمد بن حسن، تفسیر قرآن، پیشکش محمد عبدالرحیم، پروت، در احیای ادبیات، ۱۳۸۱.

۳۶طوشی، محمد بن حسن، تفسیر قرآن، پیشکش محمد عبدالرحیم، پروت، در احیای ادبیات، ۱۳۸۱.

۳۷طوشی، محمد بن حسن، تفسیر قرآن، پیشکش محمد عبدالرحیم، پروت، در احیای ادبیات، ۱۳۸۱.

۳۸تعاونی، اکرم، تاریخ مکتب، قلمکاری، فاطمه طلیعه، ج، پروت، ۱۳۸۱.
۳۹ملکی، سید محمدرضا، تفسیر قرآن، پروت، اسپانیایی، ج، پروت، ۱۳۸۱.
۴۰عیسی، سید اکبر، تفسیر قرآن، پروت، ۱۳۸۱.

۴۱درایی، بلال، تاریخ اسلامی، پروت، ۱۳۸۱.

۴۲فاراهاشی، محمد، تحقیق مهندسی، ایرانی، پروت، ۱۳۸۱.

۴۳سیدمحمد، بی‌پیش، تحقیق مهندسی، ایرانی، پروت، ۱۳۸۱.
بررسی دلایل روایات تحریف‌نام‌ در کتاب کافی

41. فضلی، عبداللهدی: مقدمه‌ای بر تاریخ قرآن کریم ترجمه و تحریف سید محمدباقر حجتی، ج. چهارم. انتشارات سروش. 1373.

42. فیض کاشانی، ملاحم: تحقیق و تصحیح ضایعات و نقصانات حسینی اصل‌های ج. چهارم. مکتبه‌الامام‌المؤمنین، 1412 ق. 1370.

43. تشییرالصدای تحقیق حسین عامی، ج. تهران: انتشارات صدر. 1381 ق.

44. قرآنی، محسن، تفسیر تورت ج. چهارم: مركز فرهنگی درسهای از قرآن، 1383 ش.


46. کلینی، محمد بن بعقوب: اصول کافی تحقیق، تصحیح و بررسی قرآن. ج. چهارم: تهران: دانشگاه علوم اسلامی، 1365 م.

47. کمالی دژولی، سید علی قانوی، تفسیر ج. چهارم: تفسیر ج. چهارم: انتشارات کتابخانه صدر. 1354 م.

48. کرباری، محمدباقر: تحقیق و تصحیح اصول کافی تصحیح محمدباقر بهدوی و علی کیانی، ج. چهارم: تهران: دانشگاه علوم اسلامی، 1379 م.

49. روشنده نظم‌نامه تفسیر اسلامی: ترجمه عبدالمحسن نجفی، مکتبه‌الامام‌المؤمنین، 1950 م.

50. میرزابیاب، محمود، نگاه مسجدی به قرآن و انرژی هنر فرهنگی ج. چهارم: پوسته‌کتاب، 1378 ش.


52. میرزا، محمدباقر، مرعاة الحکول: تصحیح سید هاشم رضوی، ج. چهارم: تهران: دانشگاه علوم اسلامی، 1370 م.

53. میرزا، محمدباقر، مرعاة الحکول: تصحیح سید هاشم رضوی، ج. چهارم: تهران: دانشگاه علوم اسلامی، 1370 م.

54. فلاحی، ابوالحسن: بحرا انوار ج. چهارم: مؤسسه‌الوفاء، 1401 ق.

55. عثمان، محمد، هادی تفسیر و المفسرون: در تاریخ نجفی، ج. چهارم: دانشگاه رضوی، 1418 ق.

56. التمّم و تکمیل: در علوم القرآن ج. چهارم: هم‌آفرینه، مدرسان کوچه. جامعه، 1415 ق.

57. تاریخ قرآن ج. چهارم: تهران: انتشارات صدر، 1375 ق.

58. تفسیر‌نامه‌ی قرآن: ترجمه علی نصیری، ج. چهارم: تهران، انتشارات صدر.

59. تفسیر‌نامه‌ی قرآن: ترجمه علی نصیری، ج. چهارم: تهران، انتشارات صدر.

60. مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نصری، ج. چهارم: تهران: دانشگاه علوم اسلامی، 1374 ش.

61. نجیبزادگان، فتح‌الله: سلامه‌القرآن از التحریف، ج. چهارم: تهران: انتشارات صدر.
58 دو قلیانه حضیرعبودی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان 1388

۲۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقيق محمد جواد نانائی، ج ۱، پیروت دارالاضواء، ۱۳۸۸ ق/ ١٩٨٨ م.

۲۳. نکونام، جعفر، پیروهشی در مصحف امام علی ع، ج ۱، رشت: کتاب میمن، ۱۳۸۲.

۲۴. نوری، حسین: فصل الخلافات در تحریف کتاب رب الارباب، بیشتر، مؤلف، ۱۲۹۸ ق.

۲۵. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سپید، تحقيق محمدباقر انصاری، ج ۳، قم دیل، ۱۳۸۱.